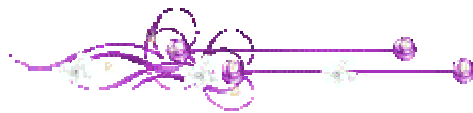


گوگول و ادبیات روسیه

تهیه و ترتیب از ع . ق . فضل



نیکولای واسیلیویچ گوگول *



«من باور دارم که هیچ نویسنده همانند گوگول به نیازهای درونی انسان نپرداخته است، چه شناخت و پیشرفت معنوی و اجتماعی در جامعه بدون چشم اندازهای نو، و کشف اسرار نا مناهی جهان از تصور بیرون است. و این همان اصلیت است که ما را به گونه عام، به تلاش در جهت دریافتن معنای برین هستی بشر، و بگونه خاص، هستی فرد و میدارد.» (چنگیز ایتماتف)

نیکولای واسیلیویچ گوگول سنت گذار رومان نویسی و ریالیزم انتقادی در ادبیات روسیه است. سنتی که سپس به وسیله **تولستوی**، **تورگنیف**، **داستایفسکی** و **چخوف** ادامه یافت. لذا تصادفی نیست که **داستایفسکی** گفت: «ما همه از زیر شنل گوگول برآمده ایم.»

گوگول در سال ۱۸۰۹ در یک خانواده زمیندار روستایی بدنیا آمد. تپه های پیچ در پیچ و سبز اوکراین شور رومانیزم و انسان دوستی را در ذهنش بیدار نمود. او با نوشتن منظومه «روسیه زیر اشغال تاتار ها» و داستان «برادران تویردیسلاویچ» در سرتاسر روسیه شهرت یافت. بیعدالتی، پلشتی و استبداد تزاری در آثار او تصویر شده است. «بیعدالتی بزرگترین مصیبت در جامعه انسانی

است، که قلبم را بیش از همه چیز می آزارد.» «ارواح مرده» یا «نفوس مرده» اثر فنا ناپذیر و شهکار جاودان اوست. این اثر با کمیدی الهی دانته و دن کیشوت سروانتس چه از لحاظ موضوع و چه از لحاظ شخصیت شباهت دارد. طرح مقدماتی این رومان را [پوشکین](#) برای گوگل تهیه نموده بود. در سال ۱۸۳۷ هنگامیکه در شهر روم از مرگ نابهنگام پوشکین خبر یافت گفت: «این اثرم به اساس توصیه پوشکین نگاشته شده، کار حاضر «نفوس مرده» آفریده اوست.»

جلد دوم رومان را گوگل در حالت بحران عمیق روحی سوختاند، ولی برخی نسخه های را که قبلاً به چاپ فرستاده بود از آتش در امان ماند.

قهرمان اصلی «نفوس مرده» چیچکوف انسان هرز و فرومایه است که مانند اهرمن حيله می بافد تا ثروتمند شود. آز ولع و دنائت او را به انجام هر نوع وقاحت و تلاش ضد انسانی وا میدارد، تا بدانجا که سوداگری را به دخمه ها میبلرد، و برده های مرده را در گور هم آرام نمی گذارد.

در رومان «نفوس مرده» گوگل، زنده گی روزمره و سنتی روستایی و بیروکراسی و عوامفریبی تزاری را که همچو کوه های یخ بر زنده گی مردم روسیه گرانی میکردند، به زبان ساده و بی پیرایه می نمایاند. این رومان نمایش گاهی از شخصیت های گونه گون است.

شنل (بالاپوش) داستان کوتاه معروف اوست. قهرمان داستان اکاکویچ نام دارد، مرده با تنقاض روحی، در مرداب فقر، نومیدی و محرومیت اندر شده. این داستان او را منتقدین همانند «گلوبند» مو پاسان دارنده عالی ترین تکنیک داستان کوتاه دانسته اند. ازین داستان، چخوف، همینگوی، اندرسن و دیگر نویسندگان سده بیستم بهره برده اند.

[جیرنیشفسکی](#) نویسنده آنرا پدر نثر و داستان کوتاه روسیه نامید. از آثار دیگر گوگل بینی، گادی، قمار بازان (نمایشنامه) و مفتش دولتی (نمایشنامه) اند.

* تصویر نیکولای واسیلیویچ گوگل برگرفته از Google

www.esalat.org